

محکومیت به اتهام همکاری با دول خارجی متخاصم

مهدی خاقانی اصفهانی*

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه

«برای اعمال ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی، موضوع باید از قوه مجریه استعلام شود و تعیین مصداق «دولت متخاصم» از صلاحیت قوه قضاییه خارج و در صلاحیت قوه مجریه است.»

واژگان کلیدی: دولت متخاصم، جاسوسی، استقلال قوا، اطلاعات طبقه‌بندی شده

متن رأی

«درخواست اعاده دادرسی آقای س.خ به وکالت از طرف آقای ا.ک نسبت به دادنامه ۶۵۰-۹۱/۵/۴-۹۱ شعبه سی و ششم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که در تأیید رأی بدوی صادر شده است موجه است، زیرا اولاً همانطور که به شرح گزارش اداره کل امور بین‌الملل وزارت امور خارجه دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده است در حال حاضر هیچ دولتی با ایران در حال تخاصم نمی‌باشد و منظور از تخاصم اختلافات سیاسی با کشورها نمی‌باشد و دادگاه در تفسیر این اصطلاح دچار اشتباه شده است. ثانیاً محکوم علیه پرونده همانطور که مکرراً دفاع نموده است در

* Email: m.khaghani@qom.ac.ir

شرایطی نیست که دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده و محرمانه داشته باشد و آن را در اختیار دولت متخاصم قرار دهد و بحث و تبادل نظر و بیان مطالب علمی مهم در کنفرانس‌های علمی و دریافت نشان یا پاداش و یا تسهیلات برای موفقیت‌های علمی و تحصیلی جرم محسوب نمی‌شود. ثالثاً در مواردی که دلایل اثباتی جرم اظهارات شخص متهم باشد با انکار وی نیز دلایل منتهی می‌گردد مگر اینکه مدارک و مستندات برخلاف انکار او در پرونده موجود باشد که در این پرونده مشاهده نشد. بنابراین با توجه به اشتباه در استنباط از ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۵۸ و تعیین مجازات نامتناسب به استناد شق ۶ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری ضمن تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد با رعایت مواد ۱۲ و ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شعبه هم‌عرض محول می‌گردد.»

شرح موضوع

از جمله جرایم علیه امنیت سیاسی کشور، همکاری با دول خارجی متخاصم است که در ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) جرم‌انگاری شده است. علاوه بر شیوه معمول قانونگذار در جرم‌انگاری جرایم امنیتی که رکن مادی جرم گاهی موسّع است و حدود و ثغور آن معلوم نیست، ماده ۵۰۸ قانون مزبور با چالش دیگری نیز مواجه است که در پرونده مورد مطالعه و نقد در این جستار، این چالش خاص نیز تحلیل خواهد شد. متهم پرونده، دانشجوی فوق دکترای فیزیک اتمی با گرایش لیزر بوده، فارغ‌التحصیل کارشناسی فیزیک و مکانیک دانشگاه صنعتی شریف، کارشناس ارشد فیزیک اتمی از آلمان و دکترای فیزیک لیزر از اسپانیا و دانشجوی فوق دکترای فیزیک لیزر دانشگاه تگزاس و از نخبگان کشور بوده که در بهمن ۱۳۸۹ در ایران به اتهام جاسوسی (قرار دادن اطلاعات طبقه‌بندی شده کشور در اختیار سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسپانیا) دستگیر و در شعبه چهاردهم بازپرسی دادسرای کارکنان دولت مورد بازجویی واقع شده و با قرار وثیقه با مبلغ پانصد میلیون ریال به زندان معرفی شده است. قرار وثیقه متهم در جریان تکمیل تحقیقات بازپرسی ابقاء شده و

متهم منکر هر ارتباط مجرمانه‌ای با سازمان‌های اطلاعاتی دیگر کشورها بوده و اظهار داشته اصلاً به اطلاعات محرمانه و سری کشور دسترسی نداشته و آنچه دریافت کرده، ۴۰۰۰ یورو و ۸۰۰۰ دلار بوده که بورس تحصیلی و هزینه شرکت در کنفرانس‌ها بوده که به طور معمول به هر دانشجوی بورسیه نخبه تخصیص می‌یابد. شعبه ۱۴ بازپرسی ناحیه ۲۸ تهران در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۰ برای متهم قرار مجرمیت به اتهام همکاری با دولت متخاصم آمریکا (سازمان سیا) و تحصیل مال نامشروع به میزان ۴۰۰۰ یورو و ۸۰۰۰ دلار از سیا، به استناد ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری صادر و در مورد اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور قرار منع تعقیب به لحاظ عدم کفایت دلایل صادر نموده و کیفرخواست را بر همین مبنا صادر کرده است. متهم در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران همه اتهامات را رد کرده ولی نماینده دادستان با استناد به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تذکر تعدد جرایم متهم، از دادگاه تقاضای تشدید قرار تأمین و ممنوع‌الخروج شدن وی به مدت ۲۰ سال نموده است. همچنین نماینده دادستان از کیفرخواست داسرا دفاع کرده و انکار متهم را مردود دانسته و تصریح کرده متهم بدون هیچگونه فشار، تهدید و ارباب با خط خودش اقرار به اتهامات نموده است. داسرا در مهرماه ۱۳۹۰ قرار تأمین را از وثیقه ۵۰ میلیون تومانی به بازداشت موقت تشدید کرده که متهم معترض شده و دادگاه در آبان‌ماه ۱۳۹۰ در وقت فوق‌العاده با رد اعتراض متهم، قرار بازداشت موقت را تأیید کرده که قطعی نیز شده است. دادگاه متهم را به اتهام همکاری با دول خارجی متخاصم (آمریکا) علیه جمهوری اسلامی ایران مستند به ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی به تحمل ۱۰ سال حبس محکوم کرده و هیچ تصمیمی در مورد اتهام دوم (تحصیل مال از طریق نامشروع) اتخاذ نکرده و دادنامه، بی‌توجه به این اتهام است. وکلای متهم به رأی بدوی محکومیت اعتراض کرده و شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در مردادماه ۱۳۹۱ در دادنامه‌ای با متن بسیار کوتاه، تجدیدنظرخواهی را رد و رأی دادگاه بدوی را ابرام نموده است. متعاقباً وکیل متهم از دیوان

عالی کشور تقاضای اعاده دادرسی نموده و شعبه ۳۶ دیوان در مهرماه ۱۳۹۲، رأی شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران را از حیث اشتباه در استنباط ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی و تعیین مجازات نامتناسب، با ذکر سه استدلال، نقض و برای رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض محوّل نموده است. سه استدلال مذکور به شرح زیر است:

- ۱- به شرح گزارش اداره کل امور بین‌الملل وزارت امور خارجه در حال حاضر هیچ دولتی با ایران در حال تخاصم نیست.
- ۲- محکوم‌علیه پرونده همانطور که مکرراً دفاع نموده است در شرایطی نیست که دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده و محرمانه داشته باشد و تبادل نظر در کنفرانس‌های علمی و دریافت پاداش و تسهیلات برای موفقیت‌های علمی جرم محسوب نمی‌شود.
- ۳- در مواردی که دلایل اثباتی جرم، اظهارات شخص متهم باشد با انکار وی نیز دلایل منتهی می‌گردد، مگر این که مدارک و مستندات برخلاف انکار او در پرونده موجود باشد که در این پرونده مشاهده نشد.

مسائل شکلی

اکنون پس از توضیح مفهوم دول خارجی متخاصم باید گفت دادنامه شماره ۱۵/ش/۹۱/۲۵۰۰-۹۱/۲/۱۱- صادره از شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران که مقرر داشته «متهم به اتهام همکاری با دول متخاصم (آمریکا) علیه جمهوری اسلامی ایران مستنداً به ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی به تحمل ...» از چند جهت محل ایراد است. اول این که، عبارت قانون به طور ناقص در دادنامه ذکر شده است؛ «دول خارجی متخاصم» را «دول متخاصم» درج نموده است. دوم این که، آمریکا دولت خارجی هست، اما بنابه ادله مذکور، «متخاصم» نیست و مفهوم تخاصم مفهومی عرفی، انقلابی، ارزشی و سیاسی نیست، بلکه مفهومی دقیق در چارچوب حقوق بین‌الملل است. علاوه بر اسناد بین‌المللی و دکترین‌های حقوقی خارجی و داخلی، پاسخ اداره کل امور بین‌الملل قوه قضائیه به استعلام پیرامون معنای متخاصم در

همین ماده نیز طی نامه شماره ۹۶۸۶۵۵-۹۲/۹/۲۳-۹۶۸۶۵۵ ناروایی تفسیر قاضی دادگاه انقلاب از کلمه متخاصم در ماده ۵۰۸ را تایید می‌کند. سوم این که، عبارت «مستنداً به ماده ...» هم عربی و نه فارسی است و هم ایراد زبانی دارد و عبارت «به استناد ماده...» یا «مستند به ماده...» درست است. چهارم این که، آمریکا، دولت است نه دول.

ایراد دیگر رأی بدوی این است که دادنامه بدوی هیچ تصمیمی در مورد اتهام دوم (تحصیل مال از طریق نامشروع) اتخاذ نکرده و با وجود طرح اتهام در قرار مجرمیت و کیفرخواست دادسرا، دادنامه محکومیت صادره از دادگاه، بی‌توجه به تصمیم‌گیری در قبال این اتهام است.

جدا از عدم امکان متخاصم دانستن آمریکا با ایران، ایراد دیگری که به رای دادگاه انقلاب وارد است این است که در تشخیص مفهوم «همکاری» نه ضوابط رکن مادی این جرم را درست رعایت کرده و نه معیارهای احراز رکن روانی را. بحث و تبادل نظر و بیان مطالب علمی مهم در کنفرانس‌های علمی را نمی‌توان مصداق رکن مادی جرم «همکاری» دانست؛ زیرا در کنفرانس‌های علمی، جمع زیادی از محققان دانشگاهی حضور دارند و مطالب غیرسری و صرفاً علمی در قالب سخنرانی و مباحثه پژوهشی گفته می‌شود، نه این که فقط ماموران اطلاعاتی سرویس‌های جاسوسی بیگانه حاضر باشند و انتقال اطلاعات طبقه‌بندی شده اتفاق بیفتد. به علاوه، قاضی رکن روانی مورد نیاز برای وقوع جرم موضوع این ماده را بدون احراز، مفروض دانسته است و این خلاف اصل برائت است. از سوی دیگر، این جرم از زمره «جرایم مادی صرف» نیز نیست که بشود گفت انجام رکن مادی موجب مفروض گرفتن رکن روانی جرم می‌شود.

موضع دادنامه دیوان در نقض رأی بدوی از دو جهت به طور خاص مورد تحسین است:

۱- تصریح به تناسب مجازات؛

۲- تصریح به این که در مواردی که دلایل اثباتی جرم، اظهارات شخص متهم باشد با

انکار وی نیز دلایل منتفی می‌گردد.

تحسین این موضع دیوان از این جهت است که در بسیاری از پرونده‌های امنیتی، متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی تحت فشار قرار می‌گیرد و اقرارهای غیرواقعی می‌کند. پایبندی قضات شعبه دیوان به اصل ضرورت اقرار عندالقاضی، و اهتمام آنها به حقوق دفاعی متهم از این حیث، قابل تقدیر است.

حقوق دفاعی متهم خصوصاً در اتهامات سیاسی و امنیتی باید توسط مقام قضایی بسیار مهم انگاشته شود و صیانت گردد. سیاست جنایی امنیت‌گرا و توتالیتر در قبال برخی از این پرونده‌ها، نگرانی بابت نقض موازین دادرسی عادلانه و منصفانه و نقض هنجارهای اخلاقی و شرعی دادرسی را همواره می‌افزاید. رعایت اصل برائت و ضرورت احراز ارکان سه‌گانه جرم و تفسیر صحیح واژگان قانون و الزامات متناسب‌سازی قرارهای تامین‌گیری و کیفرها با اوضاع و احوال پرونده، بر سلامت قضایی کشور می‌افزاید و عدل، صلح، همبستگی ملی، تعمیق احترام و اعتماد ملی به حکومت را به ارمغان می‌آورد.

مسائل ماهوی

در متن دادنامه شماره ۱۵ ش/۹۱/۲۵۰۰-۹۱/۲/۱۱ صادره از شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران آمده است: «متهم به اتهام همکاری با دول متخاصم (آمریکا) علیه جمهوری اسلامی ایران مستنداً به ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به تحمل ...» در خصوص مفهوم «دول خارجی متخاصم» مورد نقد جدی است. با ذکر مقدمه‌ای ایراد وارده تبیین خواهد شد.

طی سال‌های اخیر ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی، در دو قضیه «نظرسنجی» (۱۳۸۲) و «جاسوسی رکسانا صابری» (۱۳۸۷) مطرح شده و مورد بررسی حقوقدانان و رسانه‌های جمعی قرار گرفته است. در هر دو قضیه، دادگاه بدوی فعالیت‌های متهمان را مصداق ماده ۵۰۸ دانسته و سپس در دادگاه تجدیدنظر این رأی نقض شده است. در این مقاله با کنکاشی در

خصوص ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و با تأکید بر نگرشی شکل‌گرایانه به مسأله «حالت تخاصم» و اعلام حالت تخاصم در حقوق ایران نگاهی تازه ارائه شده است. مطابق ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) «هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌شود.» گذشته از نکات بدیهی در تحلیل عنصر قانونی و مادی جرم، باید به این نکات اشاره نمود که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

اول این که همکاری موضوع این ماده باید الزاماً با یک «دولت» خارجی باشد. گرچه مفهوم حقوقی دولت از منظر حقوق بین‌الملل مشخص است اما نکته مهمی که وجود دارد، «شناسایی» موجودیت طرف همکاری به عنوان یک «دولت» از سوی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین همکاری با موجودیت‌هایی نظیر اسرائیل، اوستیای جنوبی، آبخازیا و کوزوو - بدون عنصر «شناسایی» دولت ایران - نمی‌تواند مصداق این ماده باشد؛ زیرا گرچه نظریه «اعلامی» بودن شناسایی مورد پذیرش است اما یکپارچگی دولت و صلاحیت قوه مجریه در برقراری روابط خارجی، اقتضا می‌کند که در این موارد، دستگاه قضایی با صدور رأی، به طور تلویحی موجبات شناسایی موجودیت‌های مشابه را تأیید ننماید.

دوم این که همکاری با سایر موجودیت‌های خارجی یا بین‌المللی نظیر سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی (اعم از خارجی یا بین‌المللی) و شرکت‌های خارجی نمی‌تواند مصداق ماده ۵۰۸ باشد؛ زیرا اصل آن است که اعمال بازیگران غیردولتی، قابل انتساب به دولت‌ها نیست. حقوقدانان ایرانی، اصطلاح "State of Belligerence" را به «حالت مخاصمه» ترجمه نموده‌اند که منظور از آن همان «جنگ» یا رویارویی نظامی است.^۱ کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ حقوق بشردوستانه ژنو نیز همگی بر این سیاق ترجمه شده‌اند و در آنها برای توصیف طرفین درگیری نظامی از واژه «طرف تخاصم» استفاده شده است. اما در مورد

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۰، ص ۸۵

این که آیا منظور ماده ۵۰۸ از «تخاصم» نیز همان «جنگ» است، در بخش بعدی بحث خواهد شد.

آیا قانونگذار ایرانی، اصطلاح «حالت تخاصم» را به همان معنایی که در حقوق بین الملل افاده می کند، به کار برده است؟ از نظر شکلی، چه نهادی برای تعیین حالت تخاصم ذی صلاح است؟! برای تحلیل و پاسخ به این دو پرسش باید وضعیت نظام حقوقی ایران را فراتر از ماده ۵۰۸ بررسی نمود:

برخی حقوقدانان با استناد به این که «متخاصم» بودن یک دولت در حقوق بین الملل تنها در زمان جنگ قابل تصور است، معتقدند در حال حاضر که دولت ایران در حال جنگ با هیچ دولتی نیست، دولت متخاصمی نیز وجود ندارد. اصل تفسیر مضیق در تفسیر واژه «متخاصم» به استدلال آنها قوت می بخشد. اما از سوی دیگر می توان به مقرره ماده ۵۰۹ اشاره نمود که تفسیر نخست را بی معنا می سازد. چنانکه اگر دولت متخاصم، همان دولت طرف جنگ باشد پس تشدید مجازات در زمان جنگ چه معنایی می تواند داشته باشد؟ مطابق ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی، «هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود (از جمله جرم موضوع ماده ۵۰۸) به مجازات اشد همان جرم محکوم می شود.» با توجه به نگارش ماده ۵۰۹ و نیز عدم پابندی قانونگذار ایرانی به اصطلاحات حقوقی بین المللی نزد حقوقدانان ایرانی، به نظر می رسد منظور ماده ۵۰۸ تعریفی موسع از واژه «متخاصم» است. ماده ۵۰۹ عملاً مانع از مقید شدن لفظ «متخاصم» به «دولت در حال جنگ» می شود. بنابراین در حالی که حالت مخاصمه^۱ در حقوق بین الملل تنها به زمان مخاصمه مسلحانه محدود می شود؛ «دولت متخاصم» در ماده ۵۰۸ می تواند شامل دولتی باشد که با ایران در حالت «صلح»^۲ به سر می برد؛ البته حداقل در تعریف منفی صلح. در اصل ۱۵۲ قانون اساسی نیز بر «روابط صلح آمیز با دول غیر محارب» تأکید شده است؛ از

۱. State of Belligerence

۲. Peace

این اصل نیز می‌توان برای تفکیک دو اصطلاح «دولت متخاصم» و «دولت محارب» در حقوق ایران استفاده نمود.

اساساً در نظام حقوقی و سیاسی ایران، حتی واژه «دشمن» نیز کاربردی فراتر از دشمن در عملیات نظامی دارد. چنانکه در ماده ۲۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح «منظور از دشمن عبارت است از اشرار، گروه‌ها و دولت‌هایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حالت جنگ بوده یا قصد براندازی آن را دارند یا اقدامات آنان بر ضد امنیت ملی است.» چنانکه در این ماده مشاهده می‌شود، اولاً دشمن، ممکن است طرف مخاصمه مسلحانه یا غیرمسلحانه داخلی یا بین‌المللی باشد. ثانیاً دشمن، اعم از دشمن نظامی است و شامل «گروه‌های خواهان براندازی» نیز می‌شود. بدیهی است در این ماده ضرورت انتساب به یک دولت مطرح نمی‌شود، اما در چارچوب ماده ۵۰۸ الزاماً باید طرف همکاری یک «دولت» خارجی باشد و شامل اشرار و گروه‌های غیرمنتسب به دولت‌های خارجی نخواهد شد.

پرسش دیگر این است که کدام نهاد قوه مجریه باید نسبت به اعلام «متخاصم بودن» اقدام کند؟ مطابق تبصره ماده ۲۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، «هرگاه برای دادگاه، تشخیص دشمن یا دولت متخاصم محرز نباشد موضوع از طریق قوه قضاییه از شورای عالی امنیت ملی استعلام و نظر شورای مذکور ملاک خواهد بود.» بنابراین شورای عالی امنیت ملی که طبق اصل ۱۷۶ قانون اساسی به ریاست رئیس جمهور و تحت نظر رهبری فعالیت می‌کند، نهاد ذیصلاح برای اعلام حالت تخاصم میان دولت ایران و سایر دولت‌ها است اما نکته‌ای که در این ماده نهفته است، این است که دادگاه تنها در صورتی تشخیص تخاصم را به شورای عالی امنیت ملی احاله می‌دهد که تشخیص موضوع برای خود دادگاه محرز نباشد. نکته اینجاست که دادگاه چگونه می‌تواند موضوع را احراز نماید و کدام امارات قضایی بر وجود دشمنی یا تخاصم دلالت خواهند داشت؟ تفسیر مضیق صلاحیت استثنایی قوه قضاییه برای تشخیص امر، اقتضا دارد که تنها در صورت وجود یک جنگ و درگیری مسلحانه نظامی همه جانبه میان دولت ایران و دولتی دیگر که همچنان در جریان باشد - و حتی با

آتش بس قراردادی یا عملی متوقف نشده باشد - دادگاه بتواند وجود حالت مخاصمه را احراز نماید و در سایر موارد موضوع را از شورای عالی امنیت ملی استعلام کند. منطق هر نظام حقوقی (به ویژه در حوزه واکنش کیفری) بر این اصل استوار است که واکنش قدرت عمومی نسبت به رفتار شهروندان برای شهروند، قابل پیش‌بینی و قبلاً شفاف باشد. قاعده عقلی و شرعی «قبح عقاب بلا بیان» بر همین مبنا پدیدار شده است. اما این تنها «حکم» مورد عقاب نیست که باید قبلاً بیان شده باشد؛ بلکه گاه به علت ابهام در موضوع، باید «موضوع» نیز قبلاً بیان شده باشد. «بیان سابق موضوع» گاه به واسطه آشنایی عامه با موضوع حاصل می‌شود مانند آن که هر کس قبلاً (به واسطه عرف یا تعریف قانونی) می‌داند «مال» چیست تا بتواند برای ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم سرقت تصمیم بگیرد؛ هر کس قبلاً (به واسطه عرف و تعریف قانونی) می‌داند «فحاشی» چیست تا بتواند پیش‌بینی کند که آیا اظهاراتش موجب مجازات به علت «توهین» خواهد بود یا خیر؟ و قس علیهذا. اما آیا هر کس، گروه‌ها و اشاری که قصد براندازی نظام را دارند می‌شناسد؟ آیا هر کس دولت‌هایی که با فعالیت‌های پنهان جاسوسی که برای مردم عادی قابل شناسایی نیست، قصد اقدام علیه امنیت ملی را دارند، می‌شناسد و با فعالیت‌های آنها آشناست؟ لذا به نظر می‌رسد فهرست «دول متخاصم» باید قبلاً به صورت علنی منتشر شود و به اطلاع شهروندان برسد تا مبادا کسی به «عقاب بلا بیان» محکوم شود.

با جمع استدلال‌های حقوقی و فراحقوقی مزبور به ویژه با عنایت به صلاحیت انحصاری قوه مجریه در تنظیم روابط خارجی به نظر می‌رسد برای اعمال مقررات ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی یا هر مقرر دیگری که وصفی برای دولت‌های خارجی را به عنوان یکی از شرایط وقوع جرم مقرر کرده است، موضوع باید از قوه مجریه (مشخصاً وزارت امور خارجه یا شورای عالی امنیت ملی) استعلام شود و تعیین مصداق «دولت متخاصم» خارج از صلاحیت قوه قضاییه و در صلاحیت قوه مجریه است. در غیر این صورت، مداخله قاضی در قوه مجریه

محرز و رأی فاقد اعتبار قانونی خواهد بود. نکته مهم این که فهرست «دول متخاصم» باید قبلاً به اطلاع عموم برسد. امید است الفاظ رایج و نادرست در متن دادنامه‌ها تصحیح شوند و صلابت لفظی آراء، با هنجارمندی و قانون‌گرایی ماهوی آراء قرین گردد.